گفت‌وگوی «جوان» با محمدرضا قائمی‌نیک، نویسنده کتاب «بارقه‌هایی از پیشرفت ایرانی - اسلامی در مواجهه با توسعه غربی»

# ما باید روایت خودمان را از پیشرفت داشته باشیم

**امام شهید شبیه‌سازی موجودات دیگر را مجاز می‌دانستند، اما درباره شبیه‌سازی انسان حرمت قائل بودند و مرحوم کاظمی آشتیانی به همین فتوای رهبر شهید انقلاب عمل کرد و حتی در خاطرات ایشان هم هست که عمل به این فتوا باعث شد نگاه او به تحول سلول‌های زیستی و بنیادی به کلی تغییر کند یا برای مثال ما اصول شهرسازی داریم که در ساختن شهرها باید آنها را رعایت کنیم. اینکه تا حالا رعایت نکردیم حرف دیگری است، اما اصولی داریم که موظفیم آنها را رعایت کنیم**

close ups
نمای نزدیک

گفت‌وگو
جواد محرمی

**الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از مهم‌ترین یادگارهای رهبر شهید انقلاب اسلامی است که چراغ راه برای نسل‌های حال و آینده کشور است. دکتر محمدرضا قائمی‌نیک، نویسنده کتاب «بارقه‌هایی از پیشرفت ایرانی - اسلامی در مواجهه با توسعه غربی» تلاش کرده مبتنی بر این موضوع روایتی از چارچوب‌های این پیشرفت که باید مبتنی بر آموزه‌های بومی و ملی ما باشد، ارائه دهد. با او در اینباره گفت و گو کرده‌ایم.**

**درباره جنس و رویکرد و نگاه به موضوع پیشرفت امام شهید الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت را مطرح کردند و بیانیه گام دوم را ارائه دادند که در قالب آن برای نسل جوان ما افق‌های دقیقی ترسیم شده است. به نظر می‌رسد کتاب شما ناظر به همین مسئله درصدد تبیین بیشتر موضوع باشد. چه ضرورت‌هایی باعث شد کتابی با عنوان بارقه‌های پیشرفت به رشته تحریر درآورید؟**

ما به‌رغم تلاش‌های زیادی که پس از انقلاب اسلامی برای پیشرفت و ارتقای سطح علمی کشور در عرصه‌های مختلف صورت گرفته هنوز نتوانسته‌ایم این پیشرفت‌ها را به‌طور دقیق روایت کنیم و نحوه سوءگیری و ریشه‌های توفیقات و احیاناً شکست‌ها را شفاف کرده و تبیین کنیم و چرایی این روایت نشدن سؤال مهمی است. این کتاب در نسبت با این پرسش مطرح شده است که مطالبه امام شهید ما هم بود. البته من قصد نداشتم در این کتاب به این پرسش پاسخ بدهم، بلکه لوازم پاسخ به این سؤال را مطرح کردم. شما کتاب را که مطالعه کنید، متوجه می‌شوید پاسخ به این پرسش نیست، بلکه تلاش کردم بگویم اگر می‌خواهیم به این سؤال پاسخ بدهیم که کار سختی هم هست باید چه نکاتی را رعایت کنیم. مهم‌ترین نکته‌ای که به نظر می‌رسد باید به آن توجه کنیم، این است که پیشرفت محصول یک فلسفه تاریخ است. یعنی وقتی ما از پیشرفت صحبت می‌کنیم منظورمان این است که یک مسئله‌ای از نقطه «الف» به نقطه «ب» منتقل شود. وقتی چنین چیزی را مطرح می‌کنیم در واقع ما باید یک ایده‌ای را در تاریخ داشته باشیم. کار فلسفه تاریخ این است که به ما بگوید چطور از یک نقطه به نقطه‌ای رو به جلو حرکت کنیم که دچار انحطاط نشویم و به پیشرفت نائل شویم، به همین دلیل توضیح پیشرفت‌های انقلاب اسلامی مثل هسته‌ای، نانو، پزشکی، شهرسازی و امثال اینها را باید در قالب تاریخ تحولات ایران بفهمیم و درک کنیم تا بتوانیم روایت پیشرفتمان را داشته باشیم. به تعبیر دیگر چون بین پیشرفت اسلامی و توسعه غربی تفاوت‌هایی وجود دارد، اینها اگر قرار باشد ذیل توسعه غربی دیده نشود باید نقشه راه داشته باشیم. این دستاوردها که در ظاهر شبیه به دستاوردهای تمدن غرب است باید ویژگی خاص خود را در کشور ما داشته باشند. برای مثال صنعت هسته‌ای در غرب متولد شده و همه دانشمندان اولیه آن غربی هستند. درمان باروری و سلول‌های بنیادی رویان هم همین‌طور. حالا اگر قرار است اینها در بستر پیشرفت در انقلاب اسلامی روایت شوند، لازم است نسبت‌شان را با تاریخ تحول انقلاب اسلامی بیان کنیم. من سعی کردم در این کتاب بایدها برای روایت جنس ایرانی - اسلامی این پیشرفت‌ها را مطرح کنم. یعنی باید توضیح بدهیم اگر مرحوم کاظمی آشتیانی که صنایع رویان را در انقلاب اسلامی پایه‌ریزی کرده، این در کار او چگونه تعین پیدا کرده است؟ برای مثال اگر در لندن یا واشینگتن یا نیویورک بود یا در تلاویو یا قطر بود، اینها برای او محقق نمی‌شد و جنس کار و نتیجه آن، چیز دیگری از کار در می‌آمد. من سعی کردم توضیح بدهم که ما اگر در پیشرفت ایرانی - اسلامی به این نکات توجه کنیم می‌توانیم پیشرفت‌های خود را روایت کنیم. به این معنا الان بارقه‌هایی از پیشرفت را داریم. شاید ما هنوز و طی قرون جدید تحول عمیقی در تکنولوژی جهان ایجاد نکرده باشیم، اما بارقه‌هایی از تحول دستاوردهای بشری را در ذیل الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت رقم زده‌ایم و من در این کتاب اشاره‌ای به این بارقه‌ها کرده‌ام.

**به یک مطلبی از قول شهید بهشتی اشاره کنم که در ابتدای انقلاب به مسئول جهاد سازندگی وقت می‌گویند من خیلی دوست دارم روحیه جهاد سازندگی بیاید و همه وزارتخانه‌های ما را دربربگیرد درحالی که متأسفانه پس از جنگ برعکس این موضوع رقم خورد و جهاد سازندگی وزارتخانه شد و به تدریج عنوان جهاد هم در عرصه ادبیات سیاسی ما کمرنگ شد که البته به تدریج با درایت امام شهید تا حدودی این باید روندی اصلاحی به خود گرفت، اما به دلیل رویکرد شعاری که دولت‌ها پیش گرفتند آن‌طور که باید نتوانست جای خود را در بخش‌های مختلف باز کند**

**فکر می‌کنید وجه تمایز الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت با توسعه غربی دقیقاً چه خطوطی را دربرمی‌گیرد؟**

پیشینی و مبنایی آن، این است که باید در چارچوب فرهنگ ایرانی - اسلامی فهمیده شوند. سینما را ما اختراع نکرده‌ایم، اما به طور قطع فیلمی که یک فرد مؤمن انقلابی برای مخاطب خود به عنوان یک خوراک فرهنگی تولید می‌کند با آثاری که در کشورهای غربی ساخته می‌شود می‌تواند متفاوت باشد. درباره صنعت هسته‌ای اینکه دستاوردها مخل محیط زیست نباشد یا در جنگ‌ها علیه بشریت استفاده نشود. درباره درمان ناباروری موجب اخلال در روند فرزندآوری مناسب و طبیعی نشود، بلکه به آن کمک کند، اما فعلاً می‌شود نکاتی را به طور کلی مطرح کرد. برای مثال ما با رعایت نکات اسلامی که در آیات و روایات به آن اشاره شده است، چه نوع تکنولوژی را می‌توانیم در صنایع خودروسازی یا در صنایع دیگر رقم بزنیم، دقیق بررسی نکردیم یا در صنایع هسته‌ای رهبر شهید ما تأکید ویژه‌ای داشتند که از این دستاورد در جهت کشتار جمعی استفاده نشود. وقتی قرار است به این سمت برویم باید به لوازم آن هم پایبند باشیم. ما یک اصل فقهی داریم که در جنگ‌ها نباید کشتار جمعی رقم بخورد و بر همین مبنا به سمت تولید بمب هسته‌ای هم نمی‌رویم. یا ما یک اصلی داریم که انسان به دلیل فطرت الهی که در وجودش دارد، قابل شبیه‌سازی در قالب سلول‌های بنیادی نیست. این اصل پیشینی سبب می‌شود ما درباره شبیه‌سازی انسان تأمل کنیم. امام شهید شبیه‌سازی موجودات دیگر را مجاز می‌دانستند، اما درباره شبیه‌سازی انسان حرمت قائل بودند و مرحوم کاظمی آشتیانی به همین فتوای رهبر شهید انقلاب عمل کرد و حتی در خاطرات ایشان هم هست که عمل به این فتوا باعث شد نگاه او به تحول سلول‌های زیستی و بنیادی به کلی تغییر کند یا برای مثال ما اصول شهرسازی داریم که در ساختن شهرها باید آنها را رعایت کنیم. اینکه تا حالا رعایت نکردیم حرف دیگری است، اما اصولی داریم که موظفیم آنها را رعایت کنیم و این روی سبک زندگی جامعه ما تأثیر مستقیم دارد. اینکه مسجد باید جایگاه خاصی داشته باشد. آپارتمان‌نشینی مضرات خود را دارد. آشپزخانه باید دارای مختصات خاصی باشد. ما اگر این موارد را رعایت کنیم به احتمال زیاد شهر جدیدی هم خواهیم داشت که به طور قطع مناسب زیست مؤمنانه است و با لندن و پاریس و برلین تفاوت‌های عمده‌ای دارد.

البته باید این را هم درنظر بگیریم که این شکل گرفتن‌ها به طور تدریجی خود را نشان می‌دهد. ضمن اینکه ما در کشور خودمان در میان مسئولانمان افرادی را هم داریم که ممکن است اساساً اعتقادی به تمایزهای عمده توسعه غربی با پیشرفت ایرانی - اسلامی نداشته باشند و همین سبب می‌شود در برخی برهه‌ها و بخش‌ها با کندی یا حتی عقب‌گرد مواجه شویم و از دل این مسئله می‌تواند بی‌قوارگی‌هایی نیز به چشم بخورد.

**به نظر می‌رسد همین موضوعی که فرمودید موجب یک اصطکاکی در کشور می‌شود و نارسایی‌هایی را نیز رقم می‌زند. برخی حتی قائل به علوم انسانی اسلامی هم نیستند.**

اگر باز به همان روایت تاریخی نگاه کنیم، می‌بینیم در کل تاریخ ایران الگوی حکومتی که اعمال می‌شده سلطنت بوده و به شکل سلسله وار حکومت‌ها حکمرانی می‌کردند. در عین حال ما یک سنت اسلامی هم داریم که عنوان می‌کند مردم نقش تعیین کننده‌ای در حکمرانی و سیاست‌ورزی دارند، یعنی پیش از آنکه غربی‌ها در قالب دولت‌های مدرن به حق رأی و مشارکت و انتخابات اعتقاد پیدا کنند ما در دین مبین اسلام و سیره اهل بیت(ع) این دخالت دادن مردم در امور کشور را مشاهده می‌کنیم. با این حال چارچوب دولت‌های جدید مثل پارلمان یا قوای سه‌گانه از غرب الگوبرداری شده است. امام شهید برای نیل به تمدن بزرگ اسلامی روی یک الگوی پنج مرحله‌ای تأکید داشتند که مرحله سوم آن را دولت اسلامی می‌دانستند و خودشان اعتقاد داشتند ما الان در این مرحله قرار داریم. اگر در قالب این چارچوب به مسئله نگاه کنیم می‌بینیم اساساً تحقق خود دولت اسلامی از درون کشاکش و به نوعی تمرین دائم ساختار دموکراسی غربی و آموزه‌های اسلامی خود را نشان می‌دهد. چنانچه تجربه مردم‌سالاری دینی که خود را پس از انقلاب اسلامی نشان داده به مراتب از دموکراسی غربی الگوی موفق‌تری بوده است، چون اتفاقاً حقوق بشری که غربی‌ها دم از آن می‌زنند اما کارنامه‌ای کاملاً برعکس از عملکرد آنها قابل مشاهده است، در جریان نیم قرن حکمرانی انقلاب اسلامی به مراتب وضعیت درخشان‌تری دارد. دست انقلاب اسلامی از ابتدای شکل‌گیری در هیچ جنایت بشری در منطقه و جهان دیده نمی‌شود، اما الان دیگر همه ملت‌ها به این اذعان دارند که دولت امریکا تروریستی‌ترین دولت جهان است و این دیگر قابل انکار هم نیست. به این معنا دولت اسلامی از دل تجربه‌های بشری محقق می‌شود که از دل داشته‌های مکتب اسلام ناب تحقق یافتنی است. من به یک مطلبی از قول شهید بهشتی اشاره کنم که در ابتدای انقلاب به مسئول جهاد سازندگی وقت می‌گویند من خیلی دوست دارم روحیه جهاد سازندگی بیاید و همه وزارتخانه‌های ما را دربر بگیرد، درحالی که متأسفانه پس از جنگ برعکس این موضوع رقم خورد و جهاد سازندگی وزارتخانه شد و به تدریج عنوان جهاد هم در عرصه ادبیات سیاسی ما کمرنگ شد که البته به تدریج با درایت امام شهید تا حدودی این بلیه روندی اصلاحی به خود گرفت، اما به دلیل رویکرد شعاری که دولت‌ها در پیش گرفتند آن‌طور که باید نتوانست جای خود را در بخش‌های مختلف باز کند. با این حال مشاهده می‌کنیم که تمام دستاوردهای ما در علوم مختلف از ناحیه تقویت همین روحیه و عزم جهادی شکل گرفت که همواره اصلی‌ترین حامی آن در کشور رهبری معظم انقلاب و ولی‌فقیه بودند. اگر آن الگوی مدنظر شهید بهشتی را بپذیریم، مشاهده می‌کنیم که دولت اسلامی اگرچه در ساختار ظاهری تشابه با دولت‌های انگلستان و فرانسه و دیگر کشورها دارد، اما روح این دولت در باطن خود چیز متفاوتی است. متأثر از آموزه‌های اسلامی است. متأثر از خدمت به مردم است. ماکیاولیسم در آن جایگاهی ندارد. اینکه سیاستمداران ما چقدر به این اصول پایبند باشند موضوع دیگری است و اتفاقاً پایبندی به این موضوع است که موتور محرک پیشرفت بر مبنای الگوی ایرانی اسلامی می‌شود. مظاهر پیشرفت مادی و معنوی اتفاقاً از دل همین تشکیل دولت اسلامی به دست می‌آید و غیراز این زمینه تحقق پیدا نمی‌کند. اینکه این پیشرفت چه اندازه محقق شود بسته به این است که جامعه تا چه اندازه درک دقیق و درستی از این الگو داشته باشد و به کدام نیروها برای نیل به این اهداف وکالت بدهد.

**عنوان کردید کتاب بارقه‌های پیشرفت را ناظر بر مطالعه ۱۰ کتاب تاریخ شفاهی حوزه پیشرفت نوشتید. کمی درباره این موضوع توضیح بدهید.**

کتاب بیشتر سعی دارد مبانی را تبیین کند تا دانش ما کپی‌کار دانش غربی نباشد. در انتهای کتاب من اشاره‌ای به دو مفهوم بارقه و اتوپیای پیشرفت داشته‌ام و اینکه ما در عین حال که نباید در ارتقای دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی دچار خودکم‌بینی شویم و آنها را نادیده بگیریم، باید به این موضوع توجه داشته باشیم که در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که ذیل موضوع تحقیق و پژوهش ذکر شده، به‌رغم همه این دستاوردها در نقاط اولیه قرار داریم و اینها در واقع صرفاً بارقه‌هایی است که به ما کمک می‌کند برای پیشرفت و نباید صرفاً دیدگاه اتوپیایی را بدون توضیح لوازم آن پررنگ کنیم بدون اینکه نسل جوان ما بداند برای تحقق افق‌های پیشرفت باید هزینه هم بدهد و هزینه آن کار جهادی است. یعنی از ابتدا هم قرار نبوده با تغییر حکومت یک شبه همه چیز تغییر کند و باید بدانیم که چالش‌های این راه فراوان است و ما با مخالفان جدی در عرصه داخلی و خارجی روبه‌رو هستیم که می‌توانند حرکت ما را کند کنند، اما نمی‌توانند آن را متوقف کنند و برای همین تدریجی بودن پیشرفت امری منطقی و محتوم است، ولی اینکه سرعت کار چقدر باشد به خود ما بستگی دارد که تا چه اندازه بتوانیم روحیه جهادی را در جامعه نهادینه کنیم.

حسام مدحت، دبیر اجرایی فراخوان روایت‌های مردمی از دفاع مقدس:

## هرچه ثبت روایت به زمان وقوع رویداد نزدیک‌تر باشد دقت و غنای آن بیشتر خواهد بود

**همزمان با ضرورت ثبت مجاهدت‌های مردمی در برابر جبهه استکبار، فراخوان بزرگ جمع‌آوری خاطرات و تجربیات مردمی از سوی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی (حسینیه هنر) منتشر شده است. در این‌باره با حسام مدحت، دبیر اجرایی فراخوان روایت‌های مردمی از دفاع مقدس و عضو تحریریه رسانه مردمی گنج گفت‌وگو کرده‌ایم.**

**درباره فراخوان روایت‌های مردمی از دفاع مقدس توضیح بفرمایید و اینکه چه ضرورت‌هایی منجر به انتشار این فراخوان شد؟**

بخش مهمی از تاریخ ایران با خاطرات مردم در انقلاب اسلامی درآمیخته که بر خلاف تاریخ نخبگانی رایج، کمتر روایت شده است. توجه به این قسمت تاریخ، مهم، ضروری و فوری است.

سال‌ها جریان روشنفکری و غرب‌زده تلاش می‌کرد القا کند جامعه ایرانی از آرمان‌ها و اهداف حاکمیت جداست؛ مردم یکسری دغدغه دارند و حاکمیت دغدغه‌هایی متفاوت و در اصل پیوندی میان نگاه مردم و نگاه حاکمیت در عرصه‌های مختلف وجود ندارد. مقاومت انقلاب اسلامی در برابر استکبار جهانی را به‌عنوان رفتاری حاکمیتی معرفی می‌کردند که مردم به آن تمایلی ندارند، اما با وقوع جنگ ۱۲ روزه و رمضان، ناگهان یک بعثت مردمی و حضور فعال گسترده عظیم توسط مردم در دفاع از جمهوری اسلامی شکل گرفت؛ مقاومتی که با رسیدن خبر شهادت امام شهید، حس و حالی عجیب در توده مردم، میان زن و مرد، شهری و روستایی، اصناف مختلف و گرایش‌های سیاسی متنوع ایجاد کرد. این اتفاق، روایت جریان روشنفکری و غرب‌زده از جامعه ایرانی را به‌کلی برهم زد و خط بطلانی بر آن کشید. این جنس روایت می‌تواند عمق دلبستگی مردمی به انقلاب اسلامی و قهرمان بزرگ‌شان را نشان دهد. ما باید برخلاف تصویری که رسانه‌های معاند از جامعه ایرانی پمپاژ می‌کنند، آن دلبستگی، همراهی، عشق، روحیه انقلابی و باور دینی مردم را در دل کنش‌ها و خاطرات‌شان ثبت کنیم.

وقتی مقاومت و شهادت امام شهید این‌گونه در زندگی مردم بروز پیدا می‌کند و آنها را دچار تغییر و تحول می‌کند، ثبت و ضبط این کنش، این همراهی و این قدردانی از شهید و نظام، نه‌تنها ضروری، بلکه جزو وظایف ماست. اگر این کار انجام نمی‌شد، باید از ما پرسیده می‌شد که چرا چنین واکنش ملی و چندلایه‌ای از چشم یک نویسنده یا محقق حوزه آیین‌ها پنهان مانده است.

**وجه تمایز روایت‌های مردمی با روایت‌های نخبگانی چیست؟**

روایت‌های نخبگانی معمولاً از زاویه دید مسئولان، فرماندهان، شخصیت‌های سیاسی و چهره‌های شناخته‌شده بیان می‌شوند و بیشتر به تصمیمات کلان و روندهای رسمی می‌پردازند، اما روایت‌های مردمی از دل زندگی روزمره مردم بیرون می‌آید و ابعاد اجتماعی، عاطفی و انسانی وقایع را بازتاب می‌دهد.

در واقع روایت مردمی نشان می‌دهد که یک رویداد تاریخی مانند انقلاب اسلامی یا جنگ رمضان چگونه در کوچه و خیابان، در خانواده‌ها، مدارس و مساجد تجربه شده است. این روایت‌ها مکمل تاریخ رسمی هستند و تصویری کامل‌تر از واقعیت ارائه می‌دهند.

از طرفی روایت جمهور نظام باعث می‌شود تا عمق نفوذ و دلبستگی به انقلاب اسلامی در بین آحاد مردم و بطن زندگی آنها به خوبی نمایان شود.

**چه ویژگی این روایت‌ها را جذاب می‌کند؟**

مهم‌ترین ویژگی روایت‌های مردمی صداقت و بی‌واسطه بودن آن‌هاست. مردم معمولاً بدون تکلف و از تجربه زیسته خود سخن می‌گویند. جزئیاتی که در روایت‌های رسمی کمتر دیده می‌شود، در این خاطرات وجود دارد، از کنش‌ها و دغدغه‌های روزمره گرفته تا صحنه‌های ایثار، همدلی و خلاقیت‌های مردمی.

همین ویژگی باعث می‌شود مخاطب بتواند با روایت‌ها همذات‌پنداری کند. بسیاری از آثار موفق تاریخ شفاهی نیز به دلیل اتکا به همین تجربه‌های واقعی و ملموس مورد استقبال قرار گرفته‌اند.

**چه مخاطب‌شناسی برای این آثار در نظر گرفته شده است؟**

این فراخوان طیف گسترده‌ای از مخاطبان را در نظر گرفته است. از پژوهشگران گرفته تا نویسندگان، مستندسازان، هنرمندان، دانشجویان و عموم مردم. علاوه بر این، نسل جوان که تجربه مستقیمی از بسیاری از وقایع انقلاب و دفاع مقدس ندارد، یکی از مهم‌ترین مخاطبان این آثار است.

هدف آن است که این روایت‌ها علاوه بر ثبت تاریخی، به منبعی برای تولید آثار فرهنگی، هنری، ادبی و رسانه‌ای تبدیل شوند و نسل‌های آینده بتوانند از طریق تجربه‌های واقعی مردم با این مقاطع تاریخی ارتباط برقرار کرده و به عنوان الگویی برای آیندگان باشد.

همچنین این دست روایت‌ها به خوبی نشان‌دهنده عمق علاقه و دلبستگی مردم به انقلاب اسلامی را در عرصه‌های بین‌المللی بازتاب می‌دهد و خط بطلانی بر بسیاری از شایعات دشمنان است.

**درباره آثار مشابه در گذشته چه تجربیاتی وجود دارد که چراغ راه آینده می‌شود؟**

تجربه تاریخ شفاهی در ایران نشان داده است که ثبت خاطرات مردمی می‌تواند آثار ماندگار و تأثیرگذاری خلق کند. بسیاری از کتاب‌ها، مستندها و آثار پژوهشی موفق حوزه دفاع مقدس مانند کتاب حوض خون بر پایه روایت‌های مردمی و خاطرات شفاهی شکل گرفته‌اند. این تجربه‌ها نشان داده که هرچه ثبت خاطرات به زمان وقوع رویداد نزدیک‌تر باشد، دقت و غنای آن بیشتر خواهد بود. همچنین تنوع راویان و توجه به اقشار مختلف جامعه، تصویری جامع‌تر از تاریخ به دست می‌دهد. به همین دلیل تلاش می‌کنیم روایت‌های متنوعی از زنان، کودکان، نوجوانان، اصناف، هنرمندان، امدادگران، مهاجران، ایرانیان خارج از کشور و سایر اقشار جامعه گردآوری شود.

**این فراخوان شامل چه مقطعی از دفاع مقدس مردم ایران می‌شود؟**

این فراخوان علاوه بر توجه به خاطرات و تجربه‌های مرتبط با دفاع مقدس و فرهنگ مقاومت در سال‌های گذشته، تمرکز ویژه‌ای بر «دفاع مقدس دوم و سوم» و به طور خاص جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان دارد. هدف، ثبت ابعاد مردمی این رویدادها، از مشاهدات میدانی و پشتیبانی جنگ گرفته تا کنش‌های اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و جهادی مردم است تا این تجربه‌ها در حافظه تاریخی کشور ماندگار شود.

جواد محرمی